

كشيش تَت استيوارت

مَوْعْظَةٌ كُتَابِ مَقْدَسِ

مؤسسة تعليم

www.TalimMinistries.com



KelisaOnline.com Production

فهرست مطالب

صفحه	بخش
۱	اول : آیا برای موعظه کردن خوانده شده اید؟.....
۶	دوم: کلام خدا را موعظه کنید.....
۱۱	سوم: موعظه ای که زندگی را دگرگون می سازد.....
۱۴	چهارم: اهمیت موعظه تشریحی.....
۱۷	پنجم: کشف کلام خدا.....
۲۰	ششم: موضوع موعظه تان چیست؟.....
۲۴	هفتم: هدف موعظه: چه واکنشی از شنوگان تان انتظار دارید؟.....
۲۹	هشتم: گوشت موعظه.....

TALIM MINISTRIES, INC.
P.O. BOX ۴۷ ۱۷ ۳۶
Aurora, Colorado ۸۰۰ ۴۷-۱۷۳۶
Fax: +۱-۳۰۳-۸۷۳ ۶۲ ۱۶
www.TalimMinistries.com



KelisaOnline.com Production

بخش اول

آیا برای موعظه کردن خوانده شده اید؟

خدا می خواهد از طریق واعظ سخن بگوید

اگر می خواهید بدانید که کلیسایی تا چه حد سلامت است، باید به منبرش نگاه کنید و به واعظینش گوش دهید، زیرا از طریق موعظه بوده است که خدا در تمام طول تاریخ، کلیسا را احیاء کرده و انسانها را با پیام امید بخش انجیل دگرگون ساخته است. مسیحیتِ اصیل بستگی به موعظه کتابمقدسی دارد. مسیحیت یعنی رابطه با خدا براساس کلامش. خدا از طریق انبیاء سخن گفت (عبرانیان ۱: ۱-۳)، و سپس از طریق پسرش سخن گفت (یوحنا ۱: ۱-۲)، و اکنون نیز می خواهد از طریق واعظین سخن بگوید. موعظه یعنی بیان آنچه که خدا فرموده، به منظور اینکه انسانهای گمشده به سوی مسیح بیایند. موعظه است که انسان را به توبه سوق می دهد و ایماندار را به رشد و بلوغ ترغیب می کند. واعظ این خدمت مقدس را برعهده دارد که پیام خدا را به قلب های زخمی و بی روح برساند تا ایشان را ملزم سازد، تعلیم دهد، و با حقایق رها بخش برکتشان دهد (یوحنا ۸: ۳۶).

واعظ باید دعوت شده باشد

واعظ باید از سوی خدا برای این خدمت دعوت شده باشد. اما بسیاری ممکن است با انگیزیه های نادرست جذب آن شوند. بعضی مایلند موعظه کنند زیرا تشنه توجه مردم می باشند. بعضی دیگر نیز تشنه اقتداری هستند که فکر می کنند واعظ بر مردم دارد.

روزی یکی از دوستان قدیمی ام که بی ایمان است، به دیدنم آمد؛ او به محراب کلیسایی که در آن زمان محل خدمتم بود رفت و پشت منبر قرار گرفت. او هر دو دست را قدرتمندانه بر منبر گذاشت و گفت: «این منبر چه قدرتی به آدم می دهد؛ از این قدرت لذت می ببری، هان؟»

در دلم گفتم: «کاش که می دانستی با چه ترس و لرزی و با چه حس ناتوانی پشت منبر می رود! چون برای من، موعظه کردن یعنی ایستادن در حضور او که مقدس است و می خواهد کلامش به درستی موعظه شود.»

منبر جای نمایش دانش و قدرت بیان واعظ نیست؛ منبر جای ریاست طلبی و سلطه جویی بر مردم نیست. منبر جایی است مقدس که واعظ باید با فروتنی پشت آن قرار گیرد و با دعای بسیار به درگاه خدا، پیام او را به قوم او اعلام کند.

چگونه بدانیم که دعوت شده ایم؟

اما چگونه می توان دانست که کسی برای موعظه کردن دعوت الهی دارد؟ آنانی که از سوی خدا برای این خدمت دعوت نشده اند، به دنبال یافتن پیروبرای خود هستند، نه شاگرد برای مسیح. موعظه ایشان توبه حقیقی و ثمره ماندگار به ارمغان نمی آورد؛ فقط کسانی را جذب می کند که صرفاً می خواهند دین خود را عوض

کنند! اینها صلیب را موعظه نمی کنند که بر روی آن، شخص باید برای امیال خود بمیرد؛ بلکه پیامی را موعظه می کنند که خدایا ابزار دلدست انسان معرفی میکند، ابزاری که نیازها و خواسته های او را برآورده می سازد. شما چه نوع واعظی هستید؟ آیا تشنه مسیح خدای متعال بر زندگی و موعظه خود هستید؟ اگر هستید، پس محک های کتاب مقدس برای چنین دعوتی را مورد ملاحظه دقیق قرار دهید.

از خودتان این سنوالات را بکنید:

۱- آیا دعوت خدا را برای موعظه، در یک زمان خاص احساس کردم؟
(اعمال ۹: ۱۵-۱۶ و ۲۰ و ۲۲: ۱۴-۱۵ را بخوانید). بسیاری از خادمین خدا به یاد می آورند که در یک زمان خاص دعوت خدا را شنیدند. من شخصاً زمانی این دعوت الهی را شنیدم که نوزده سال داشتم و در یک جلسه عبادتی نشسته بودم و در مورد آینده ام دچار کشمکش بودم. آن صدا قابل شنیدن نبود؛ اما احساس نیرومندی به من دست داد که به دنبال ماهها دعا و کشمکش در مورد آینده ام جاری شد. وقتی تسلیم این دعوت شدم، آرامشی شگفت انگیز سراسر وجودم را فرا گرفت.

۲- آیا شهادت روح القدس را در مورد این دعوت در قلب خود دارم؟

وقتی خدا کسی را برای موعظه فرا می خواند، این دعوت در طول زمان نیرومند تر می شود. وقتی در دانشگاه تحصیل می کردم، یک همکلاسی داشتم که واعظ توانایی بود. اما الان بر این عقیده ام که او دعوت الهی را نداشت، به خاطر این واقعیت که پس از چند سال، او خدمت را رها کرد. دعوت خدا دائماً در قلب انسان شعله ور خواهد بود.

۳- آیا احساس می‌کنم که عطای موعظه کردن را دارم (اول قرن‌تیان ۱۲: ۷)؟

عطای و عظم فقط بستگی به استعداد طبیعی فرد ندارد، بلکه به سکونت قدرت روح القدس نیز بستگی دارد که به شما پیامهایی می‌دهد و قدرت می‌بخشد که آنها را اعلام کنید. وقتی عطای روحانی خود را بکار می‌گیریم؛ مسرور می‌شویم از اینکه می‌بینیم که خدا ما را بکار می‌برد.

۴- آیا کلیسا دعوت موعظه مرا مورد تشخیص و تأیید قرار می‌دهد؟

یک واعظ که موعظه‌هایش بسیار ضعیف بود، می‌گفت که مشکل او این نیست که نمی‌تواند خوب موعظه کند، بلکه اعضای کلیسایش عطای شنیدن ندارند! یکی از روشنترین نشانه‌های دعوت خدا از فرد برای موعظه کردن، استقبالی است که کلیسا از او می‌کند (اعمال ۱۳: ۱-۴). واعظ دانا واکنش آنانی را که باید هر یکشنبه به پیام او گوش دهند، جویا میشود؛ و هرگاه که پیامش باعث برکت می‌شود، خدا را شکر می‌کند و از او می‌خواهد که او را در این خدمت بیشتر رشد دهد.

۵- آیا موعظه من ثمربخش است؟

آیا در اثر موعظه شما، افراد توبه می‌کنند؟ آیا در اثر موعظه شما، مقدسین رشد می‌کنند و به سوی بلوغ می‌روند (اشعیا ۵۵: ۱۱)؟ موعظه کتابمقدسی باعث دگرگونی گناهکاران می‌شود.

بخش دوم

«کلام» را موعظه کنید!

قدرت کلام خدا

«تورا در حضور خدا و مسیح عیسی... قسم می دهم... که به کلام موعظه کنی و در فرصت و غیر فرصت مواظب باشی و تنبیه و توبیخ و نصیحت نمایی، با کمال تحمل و تعلیم» (دوم تیموتائوس ۴: ۱ و ۲).

خدا میتواند جنبه های مختلف موعظه را با قدرت دگرگون کننده اش مسح کند؛ اما آیا هر واعظی را نیز مسح می کند؟ خدا واعظی را برای خدمت خودبکار می گیرد که کلام او را به درستی و به گونه ای مؤثر بکار ببرد. قدرت موعظه در کلام خدا است. از اینرو است که پولس رسول در رومیان ۱۰: ۷ می فرماید: «ایمان از شنیدن است و شنیدن از کلام خدا.» خدا برای ملزم ساختن و ایجاد ایمان در قلب انسان از کلام خود استفاده میکند، و واعظ دانا کسی است که همواره کلام خدا را با فروتنی مطالعه می کند تا راهی بیابد که پیام آن راه قلبهای شکسته برساند (عبرانیان ۴: ۱۲-۱۳).

اهمیت نگرش واعظ نسبت به کتابمقدس

یک خادم پیش از آنکه بدَل به واعظی توانمن گردد، باید برای خود مشخص سازد که اعتقاداتش در مورد کتابمقدس چیست. واعظی می تواند موعظه های دگرگون کننده ایراد کند که هم زندگی اش و هم پیامش تماماً منطبق با کلام خدا باشد. موعظه هایی که از عقل و منطق برخیزد، فقط بر عقل و منطق می نشیند، اما

موعظه هایی زندگی شنودگان را دگرگون می سازد که از قلب واعظی برمی خیزد که یقین دارد کتابمقدس مکاشفه قطعی خداست و یگانه طریق برای شناخت اوست. او باید فرمایش پولس رسول در دوم تیموتائوس ۳: ۱۶ را بپذیرد که می فرماید: «تمامی کتب از الهام خداست...» و یقین بداند که فقط کتابمقدس می تواند قلب گناهکاران را متحول سازد؛ او باید یقین کامل داشته باشد که نامی دیگر زیر آسمان و زمین نیست که به واسطه آن بتوان رستگار شد (اعمال ۴: ۱۲)؛ او باید اعتقاد راسخ داشته باشد که کتابمقدس هر آنچه را که برای زندگی مبتنی بر عدالت لازم است، در اختیار ما قرار می دهد. او باید با توکلی فروتنانه به روح القدس، به حضور خدا دعا کند و بعد از آن، بدون ترس و پر از اشتیاق به منبر برود و پیام کلام الهی را با امانت و انتظار موعظه کند (اعمال ۲۰: ۲۷).

اشتیاق واعظ به کلام خدا

ارمیای نبی اشتیاق خود را برای اعلام کلام خدا اینچنین بیان می دارد: «اگر نخواهم کلام تو را اعلام کنم و از جانب تو سخن بگویم، آنگاه کلام تو در دلم مثل آتش، شعله ور می شود تا مغز استخوانهایم را می سوزان و نمی توانم آرام بگیرم» (ارمیا ۲۰: ۹، ترجمه تفسیری). اگر می خواهید کلام خدا در وجودتان همچون آتشی سوزان باشد، باید بر مطالب آن مسلط باشید و بگذارید آن نیز بر وجود شما مسلط باشد؛ باید هر روز آن را بخوانید و در مورد آن تفکر کنید، نه فقط برای تهیه موعظه بلکه برای روح خودتان. واعظ مانند مکانیکی نیست که فقط بر روی کتابمقدس کار می کند، بلکه مانند گوسفندی است که اجازه می دهد شبان نیکو با کلامش خوراکش دهد.

لذا وقتی را در طول روز اختصاص دهید تا کتابمقدس را به ترتیب از اول تا آخر، آهسته و با تأنی و تفکر مطالعه کنید و از آنچه که خدا با قلبتان سخن می گوید، یادداشت بردارید. وعده هایی را که خدا داده است، جستجو کنید؛ درس هایی را که می توانید از شخصیت های کتابمقدس بیاموزید؛ مورد توجه قرار دهید؛ در مورد آنچه که باعث جاری شدن برکات خدا می گردد، تحقیق کنید، در زمینه اطاعت از احکام او هشیار باشید؛ گناهایی را که باید از آنها بپرهیزید، به خاطر بسپارید؛ در مورد خدا و کارش در جهان تأمل نمایید. وقتی خود را هرروزه همچون قربانی زنده به خدا تقدیم می کنید، اوزندگی شما را بیش از پیش تبدیل به شهادتی در مورد فیضش خواهد ساخت، و موعظه هایتان بیش از پیش عطر اصالت را پخش خواهند کرد.

با چه حالتی موعظه کنیم

حال به این مطلب می پردازیم که شخص باید چگونه کلام خدا را موعظه کند تا باعث دگرگونی زندگی دیگران شود. بی شک زندگی خود شما می تواند نمونه قدرتمندی باشد از اینکه مسیح چطور انسان را عوض می کند؛ اما این کافی نیست. واعظ باید در به کارگیری کتاب مقدس مهارت کسب کند. او باید بداند که کتابمقدس خودش در زمینه استفاده از خودش چه تعلیمی می دهد. به این منظور به بررسی توصیه پولس به تیموتائوس در رساله دوم تیموتائوس ۳: ۱۶-۱۷ می پردازیم. با مطالعه این آیه ها، خواهیم کوشید راز موعظه با قدرت کلام خدا را بیابیم.

۱- معیارهای مقدس خدا را بدون ترس به جماعت خود عرضه کنید.

«تمامی کتب از الهام خداست و به جهت تعلیم... مفید است» (دوم تیموتائوس ۳: ۱۶). سخن خداوندمان را نیز به یاد آورید که فرمود: «حق را خواهید شناخت و حق شما را آزاد خواهد کرد» (یوحنا ۸: ۳۲). مانند واعظی نباشید که موعظه اش درباره گناه را اینچنین آغاز کرد: «می دانم که نکاتی که درباره گناه گفتم، درباره هیچیک از شما صدق نمی کند.» تا زمانی که نیش گناه را حس نکنیم و قصور خود را نبینیم، احتمال کمی هست که به سوی مسیح بیاییم و شفا بیابیم. وظیفه واعظ اعلام حقیقت است، اعلام قدوسیت خدا به مردم. اگر به یک بیمار مبتلا به سرطان بگویید که کسالتش چندان جدی نیست یا اصلاً تخیلی است، لطفی در حقش نکرده اید. پزشکی را شجاع می نامیم که حقیقت را به بیمار یا خویشانش بگوید.

۲ - با محبت تشخیص دهید که جماعت شما در چه قسمت هایی از جلال خدا قاصرند. در دوم تیموتائوس ۳: ۱۶، کلمه دیگری بکار رفته است، یعنی «تنبیه». کار شبان بسیار شبیه به کارمأمورین امنیت فرودگاه است که مسافری را از دستگاه فلزیاب عبور میدهند تا اشیاء غیرقانونی را بیابند. کارآنان فقط این است که شمار از دستگاهی شبیه به چارچوب در بگذرانند؛ بقیه کار را دستگاه خودش انجام می دهد. موعظه کردن یعنی هدایت افراد به سوی نقطه ای که اجازه دهند خدا گناهان و جهالتشان را از طریق کلام خدا بیابد. راز موفقیت در این است که ایشان به مرحله ای برسند که بدانند این کلام خداست که ایشان را مورد داوری قرار می دهد، نه واعظ. به همین جهت است که پولس رسول مینویسد: «...تنبیه و توبیخ و نصیحت نما با کمال تحمل و تعلیم» (دوم تیموتائوس ۴: ۲؛ همچنین ر.ش به دوم تیموتائوس ۲: ۲۴-۲۶).

۳ - به روشنی تعلیم دهید که خدا چه نوع واکنشی از جماعت خود می طلبد.

در همان آیه ۱۶، کلمه «اصلاح» به کار رفته است. بسا موعظه ها شنیده ایم که ما را عمیقاً ملزم ساخته اند، اما فکر کرده ایم که واعظ فقط می خواهد که احساس گناه بکنیم و نه چیز افزون بر آن. موعظ مبتنی بر کتاب مقدس همیشه راهی برای گریز از گناه پیش روی ما قرار می دهد. خبر خوش این است که عیسی آمد تا ما را فدهی دهد و رهایی بخشد (لوقا ۴: ۱۸-۱۹). بسیار دقت کنید که به روشنی به شنوندگان خود بگویید که چه باید بکنند. در غیر اینصورت، جماعت پس از شنیدن موعظه خواهند گفت: «خوب، چه ربطی به ما داشت؟» پسر من وقتی کوچک بود، انگشت پایش را شکست. وقتی پزشک او را معاینه می کرد، دردش بسیار شدید بود؛ اما وقتی پزشک آن انگشت را بیشتر شکست، شوک وارده درد را بیشتر کرد. پزشک این کار را کرد تا انگشت به درستی بهبود بیابد. وقتی استخوانها به درستی در کنار هم قرار گرفتند، انگشت را گچ گرفت. موعظه مبتنی بر کتاب مقدس شنونده را به سوی عیسی هدایت می کند تا به واسطه تنبیه و اصلاح، به درستی بهبود یابد.

۴- همیشه شنوندگان خود را امیدوار سازید!

آیه ۱۷ می فرماید: «تا مرد خدا کامل و به جهت هر عمل نیکو آراسته شود.» پولس رسول می خواهد ما بدانیم که وقتی تعلیم کتاب مقدس به درستی به کار برده می شود، امید هست که انسان تغییر کرده، رشد روحانی یابد. یک واعظ خداترس یکبار می گفت که وقتی به جماعت کلیسای خود نگاه می کند، آنان را آنطور می بیند که می توانند باشند، نه آنطور که در آن لحظه هستند. هر موعظه ای که می کنید، باید گناهکاران را به سوی صلیب جلب کند، به سوی جایی که بخشایش و شفا و امید هست. وقتی پسرم کوچک بود، از او می خواستیم که کنار دیوار بایستد تا قدش را روی دیوار علامت بزنیم. وقتی دفعه بعد، باز قدش را اندازه می گرفتیم، از

دیدن رشد او چقدر خوشحال می شدیم. موعظه ای که باعث تشویق ایمانداران به رشد می گردد و به آنان این امید را می بخشد که خدا در زندگی شان کار می کند، موجب خرسندی خدا و شادی فرزندان او میباشد.

بخش سوم

موعظه ای که زندگی را دگرگون می سازد!

موعظه خوب کدام است

موعظه خوب باعث تغییر زندگی و رشد کلیساهای سالم می گردد. هیچ چیز دیگری مانند موعظه نمی تواند رابطه خادم را با خدا نشان دهد؛ هیچ چیز دیگری مانند موعظه نمی تواند قلب و فکر کلیسای را به سوی خدا برافرازد.

اگر موعظه ای این «نان حیات» را به مردم ندهد، هیچ ثمره ماندگاری نخواهد داشت. اما برای اینکه ثمره ای حاصل شود، پیام واعظ باید به زندگی شنوندگانش ارتباط داشته باشد. واعظ باید پلی باشد که کلام خدا را به زندگی افراد مرتبط سازد. شنونده باید فوراً احساس کند که آنچه از منبرگفته میشود، به او و شرایط زندگی اش مربوط است. او باید میان مشکلات خود و فیض خدا در عیسی مسیح ارتباطی احساس کند.

اما اگر واعظ می خواهد که چنین پلی باشد، باید شنوندگان خود را بشناسد و در رنجها و مشکلاتشان شریک بوده باشد. اما در ضمن باید بداند که چگونه موعظه ای تهیه کند که وسیله ای باشد در دستان خدا برای انتقال امید و فیضش به مردمان رنج دیده.

طرح کلی یک موعظه خوب

در اینجا چارچوبی ارائه می دهیم که با الگوگیری از آن، می توانید موعظه ای تهیه کنید که توجه شنوندگان را جلب کند و به ایشان نشان دهد که خدا برای زندگی شان چه نقشه یا راه حلی دارد.

نحوه آغاز

موعظه خود را با یک موضوع واقعی از زندگی روزمره یا با مشکلی که باعث کشمکش در زندگی افراد می شود، آغاز کنید. از همان جایی آغاز کنید که مردم در آن قرار دارند. مگر عیسی در اناجیل همین کار را نمی کرد؟ برای مثال، فرض کنید که می خواهید درباره ماجرای ایلیا و انبیای بعل (اول پادشاهان ۱: ۱۹-۲۱) موعظه کنید. حال به نظر شما کدام بهتر است: اینکه موعظه را با تعلیم کتابمقدس درباره ایلیا و پیروزی بزرگ او در کوه کرمل شروع کنید؟ یا با چنین سنوالی: «آیا تا بحال اتفاق افتاده که چنان نومید شده باشید که دیگر نخواهید زندگی کنید؟» طبعاً شروع موعظه با این سنوال قطعاً توجه همه شنوندگان را جلب خواهد کرد، چرا که هر کسی در مقطع خاصی از زندگی خود در شرایطی قرار گرفته که دیگر میلی به زنده ماندن نداشته است. پس از بیان این سنوال، می توانید تجربه خودتان را با شنوندگان در میان بگذارید و بعد بگویی که در کتابمقدس نیز افراد برجسته ای بوده اند که در چنین شرایط سختی قرار گرفته اند.

درسی از کتابمقدس

پس از ایجاد ارتباطی اینچنین با شنوندگان خود، توجه ایشان را به کتابمقدس جلب کنید تا بدانند که خدا درباره شرایط سختشان چه می گوید. می توانید بگویید که مرد خدایی بود که درست همان احساس شما را نسبت به زندگی داشت، و بعد اول پادشاهان ۱۹: ۴ را قرائت کنید. به این ترتیب، میان متن کتابمقدس و زندگی شنوندگانتان پلی ایجاد کرده اید. به هنگام بررسی دقیق متن، می توانید نکات مهمی را در موعظه تان بگنجانید، نظیر این دو نکته: ما در «واقعی» بیشتر آسیب پذیر هستیم که موفقیت هایی به دست آورده ایم؛ «وسیله» آسیب رسانی و نومیادی نیز گفته های نیش دار و تهدیدهای دیگران می باشد.

در متن کتابمقدس پلی طبیعی هست که نشان می دهد ایلیا چگونه توانست از نومیادی خویش رهایی یابد. می توانید از شنوندگان خود بخواهید که این پل را همراه با شما کشف کنند. در خود متن، چارچوبی طبیعی به شرح زیر می یابید:

۱- (آیات ۸ تا ۱۴): خدا ایلیا را فراخواند تا بیاساید. وقتی خسته و درمانده ایم، امید خود را از دست می دهیم و بیشتر در معرض نومیادی قرار می گیریم.

۲- (آیات ۱ تا ۹): خدا او را به سوی خود فرا خواند. دور شدن از مشارکت با خدا، باعث نومیادی می گردد.

۳- (آیات ۱۵ تا ۱۸): خدا او را فرا خواند تا خدمتش را از سرگیرد. وقتی از خدمت خود دور می مانیم، بیشتر مایوس و ناامید می شویم.

کاربرد برای امروز

اکنون که شنوندگان خود را به دنیای کتابمقدس برده اید، نباید ایشان را در همانجا باقی بگذارید. باید ایشان را به واقعیات زندگی امروزی بازگردانید. به نومیادها و یأسهای خودشان. باید براساس تعلیمی که از کتابمقدس دادید؛ ایشان را به سوی پیام کتابمقدس و امیدی که در آن نهفته است هدایت کنید. شاید مناسب

بدانید که موعظه خود را با چنین سنوالی پایان دهید: «آیا می خواهید در جنگال امواج متلاطم نومیدی باقی بمانید؟ یا مایلید صدای خدا را بشنوید و به سوی عیسی مسیح، این آرامی و امید الهی، بیابید؟»

بخش چهارم

اهمیت موعظه تشریحی

سه روش عمده برای تهیه موعظه

موعظه را می توان به سه روش عمده تهیه کرد:

- موعظه موضوعی: در این روش، واعظ یک موضوع روحانی یا اخلاقی را که در فکر یا قلب خود دارد بسط می دهد و از ماجراها و آیه های کتابمقدس برای گفته های خود شاهد می آورد.
- موعظه آیه ای: در این روش، واعظ موضوع موعظه خود را از یک آیه اخذ می کند. سپس می تواند جزئیات موعظه را یا از خود آیه بگیرد یا از مطالب مورد نظر خود.
- موعظه تشریحی: در این روش، واعظ دو یا چند آیه را انتخاب می کند و به تشریح و تفسیر آنها پرداخته، بیان می دارد که مقصود اولیه و اصلی این آیات در زمان نگارش چه بوده است، بدون اینکه احساسات و برداشتها و عقاید شخصی خود را بر آنها بیوشاند. آخر الامر، پیام این آیات را به موقعیت امروزی شنوندگان ارتباط می دهد.

امتیاز موعظه تشریحی

همانطور که در آن شماره گفتیم، صاحب نظران معتقدند که سالم ترین روش موعظه، روش تشریحی است، چرا که در این روش، واعظ پیام خود را فقط محدود به مطالبی می کند که در آیات مورد نظر آمده است. به علاوه، موعظه تشریحی روشی بوده که از ابتدا در کنایس یهود و بعد در کلیسای مسیح متداول بوده و هنوز نیز در اکثر کلیساها مرسوم می باشد.

خطر روش موضوعی

در این است که ممکن است واعظ با استفاده از آیات مختلف و پراکنده، عقاید و نظرات و احساسات خود را در آن مقطع زمانی بعنوان پیام خدا به شنوندگان عرضه کند. از اینرو، دیده می شود که بعد از مرور سالها، وقتی اندیشه و تجربیات واعظ دچار تحول و تکامل شد- که قطعاً می شود- پیام واعظ در خصوص همان موضوع تغییر می کند و این امر موجب بروز سنوال برای شنوندگان و سردرگمی ایشان می شود. به همین جهت، شما را دعوت می کنیم تا موضوع موعظه و مطالب و تقسیم بندیهای آن را از خود آیات اخذ کنید تا کلام خدا را به درستی و با یقین کامل موعظه کنید.

اهمیت موعظه تشریحی

صاحب نظران معتقدند که سالم ترین روش موعظه، روش موعظه تشریحی است، چرا که در این روش، واعظ پیام خود را فقط محدود به مطالبی می کند که در آن آیات آمده است. خطر روش موضوعی در این است که ممکن است واعظ با

استفاده از آیات مختلف و پراکنده، عقاید و نظرات خود را بعنوان پیام خدا به شنوندگان عرضه کند.

ما در این بخش، بر اهمیت موعظه به روش تشریحی (Expository Preaching) تأکید گذارده، به توضیح آن خواهیم پرداخت. دکتر هادین رابینسون که استاد رشته موعظه است، موعظه تشریحی را اینچنین توصیف می کند:

«موعظه تشریحی انتقال و اعلام مفهوم کتابمقدس می باشد، مفهومی برخاسته از بررسی تاریخی، ادبی، و گرامری بخشی از کتابمقدس در چارچوب درستش. این مفهوم را روح القدس نخست در زندگی و تجربه واعظ پیاده می کند، سپس از طریق او در زندگی شنوندگانش.»

واعظی که مشتاق است مکاشفه الهی را موعظه کند، باید بگذارد کلام خدا برای خودش سخن بگوید؛ او کتابمقدس را تبدیل به وسیله ای برای ابراز و اعلام عقاید خودش نمی سازد. او از روش بعضی از واعظین پیروی نمی کند که وعظ خود را با قرائت بخشی از کتابمقدس آغاز می کنند و سپس مطالبی را در موعظه ارائه می دهند که اصلاً ارتباطی به آن بخش ندارد. او منبر را برای تخلیه خشمش بر مردم، یا انتقال حس گناه برای تحریکشان به عمل خاصی، یا بذله گویی برای سرگرم کردن ایشان به کار نمی گیرد، بلکه می کوشد در مقام نبی و سخنگوی خدا، بگوید که «این است پیام خدا به ما.»

بخش پنجم

کشف کلام خدا

سه گام برای تهیه موعظه

گام اول

برای اینکه مطمئن شوید که پیام خدا را با امانت بیان می دارید، نخست باید بکوشید که مقصود اصلی نویسنده را در چارچوب و زمینه تاریخی اش کشف کنید. در این مرحله است که کتابهای تفسیر و کتاب راهنمای مطالعه کتابمقدس کمک بزرگی خواهند بود.

گام دوم

دومین گام این است که واعظ تشخیص دهد که خدا چگونه می خواهد شخص او را تغییر دهد. مطمئنم که همگی ما دچار این وسوسه شده ایم که کتابمقدس را مشتاقانه مطالعه کنیم تا آن را به زندگی دیگران مربوط سازیم، نه به زندگی خودمان. به یاددارم که واعظ توانایی یکبار به من گفت که موعظه ای که در عقل واعظ تهیه شده باشد، بر عقل مردم تأثیر خواهد گذاشت؛ ولی موعظه ای که در زندگی واعظ شکل گرفته باشد، بر زندگی مردم تأثیر خواهد گذاشت. اگر حقیقتی را

شخصاً تجربه کرده باشید، با اشتیاقی بسی بیشتر موعظه اش خواهید کرد، تا حقیقتی که فقط خواننده باشید؛ آن اشتیاق است که مردم را تحت تأثیر قرار خواهد داد. به همین دلیل است که نمونه هایی که در موعظه از زندگی خودتان بازگو می کنید، اغلب اثر بیشتری بر شنونده می گذارد. تجربه به من نشان داده که وقتی موقعیت خاصی از زندگی خود را بازگو کرده ام که از آن درسی روحانی گرفته ام، بعد از موعظه افراد بیشتری برای دریافت مشورت و دعا به من مراجعه کرده اند. آنها می گفتند که نزد من می آیند چون می بینند که من نیز درگیر همان کشمکشهایی هستم که خودشان هستند. برای مثال، من اغلب تعلیم می دهم که باید در هر شرایطی خدا را شکر کنیم؛ اما این تعلیم زمانی تأثیر عمیق تری می گذارد که تجربه بچه دار شدن خودمان را با شنوندگان در میان می گذارم. دکتر به ما گفته بود که نمی توانیم صاحب فرزند شویم؛ اما من و همسر از کلام خدا اطاعت کردیم و در همان شرایط مایوس کننده خدا را شکر گفتیم. با نهایت تعجب، همسرم باردار شد و پسری به دنیا آورد که او را تیموته نامیدیم، یعنی «هدیه خدا». این نمونه که تجربه شخصی خودم است، شنوندگان را بیشتر متقاعد می سازد که مانند من در هر شرایطی خدا را شکر کنند.

گام سوم

سومین گام این است که واعظ دعا کند تا طوری سخن بگوید که شنوندگان مقصود اصلی اش را درک کنند. آنها باید درک کنند که پیام ما چه بوده است. من هر چقدر بیشتر موعظه می کنم، با کمال تعجب بیشتر پی می برم که بسیاری از مردم اصلاً متوجه مقصود اصلی من نمی شوند. به یاد دارم که یک بار درباره موضوعی موعظه می کردم که عنوانش این بود: «هرچه بخوریم، همان می شویم!»

روی این موعظه خیلی کار کرده بودم تا نشان دهم که شخصیت ما را افکار و تفکرات ما شکل می دهند. بعد از جلسه، خانمی پیشم آمد و با تشکر گفت که تشویق شده که حتماً رژیم بگیرد! او مطلقاً متوجه مقصود پیام من نشده بود. عوامل بسیاری هست که بر توانایی درک افراد اثر می گذارد؛ واعظ باید از این عوامل آگاهی داشته باشد. یک بی ایمان نمی تواند جهالت صلیب را درک کند؛ کسی که در طغیان و عصیان زندگی می کند، گوشه‌های خود را بر روی حقیقت بسته است؛ و شخص افسرده و غم زده آنقدر دردمند است که قادر به شنیدن نمی باشد. اما دلسرد نشوید! این موانع و نیازها دقیقاً راههایی هستند برای نفوذ در دل شنوندگان، به شرطی که بتوانید پیام انجیل را به دردها و رنجهای مردم مرتبط سازید. سی.اس. لوئیس چه درست نوشته که «خدا در شادیهای ما با ما زمزمه وار سخن می گوید و در دردهایمان با فریاد!»

موعظه کردن کاری است بس دشوار. باید کلام را مطالعه کنید. باید زندگی خودتان را به روی مسیح بکشایید و مطیع او باشید؛ همچنین باید روحیات مردم را مطالعه کنید و بیاموزید که چگونه در موعظه تان مشکلاتشان را مورد تحلیل قرار دهید. برای این کار، باید با اعضای کلیسایتان وقت صرف کنید و با ایشان و برای ایشان دعا کنید. پاداشی بزرگتر از این برای خادم وجود ندارد که ببینید جماعتش در فیض و قدوسیت رشد می کنند.

بخش ششم

موضوع موعظه تان چیست؟

در این بخش، به بحث درباره روش تهیه موعظه تشریحی و راههای عملی آن می پردازیم.

ساختار کلی موعظه

خادم خدا وقتی تصمیم گرفت که می خواهد درباره کدام آیات موعظه تشریحی تهیه کند، باید ساختار یا تقسیم بندیهای زیر را برای وعظ خود در نظر بگیرد:

- (۱) مقدمه
 - (۲) متن موعظه که شامل دو یا چند بخش کلی است؛ هر بخش کلی نیز می تواند به بخشهای فرعی تقسیم شود
 - (۳) نتیجه گیری و ترغیب به واکنش
- اما پیش از اینکه به تهیه ساختار فوق پردازد، باید نخست «موضوع اصلی» یا نکته اصلی وعظ را براساس آیات انتخابی بیابد. او باید بداند طبق آیات مورد نظر، راجع به چه موضوعی وعظ خواهد کرد. نخستین گام عملی برای تهیه موعظه، تعیین موضوع آن است.

اهمیت مشخص بودن موضوع

موضوع موعظه چه بود؟

برای همه ما پیش آمده که پس از پایان موعظه از خود پرسیده ایم: «موعظه درباره چه بود؟» گاه نیز به شوخی می گوییم: «واعظ از کتاب پیدایش شروع کرد و تا مکاشفه موعظه کرد!» مردم ممکن است به احساسات و هیجانات ما در موعظه مان واکنش نشان دهند، با اینحال، در آخر موعظه ندانند موضوع بحث چه بود یا موضوع موعظه چه ربطی به زندگی آنان داشت. وقتی بالاخره موعظه مان تمام می شود، نفس راحتی می کشند و با کیسه ای پر از مطالب پراکنده و عمدتاً غیرعملی به خانه می روند بدون اینکه موضوع موعظه در ذهنشان مانده باشد.

تقصیر کیست؟

البته ساده ترین کار این است که تقصیر را به گردن شنوندگان خود بیاندازیم و بگوییم که حواسشان پرت بوده است. اما شاید واقعیت این باشد که ما در انتقال درست مطلب و پیاممان موفق نبوده ایم. مشکل ما این است که گاه خودمان نیز نمی دانیم موضوع مرکزی و اصلی موعظه مان چیست. اگر موعظه تشریحی تهیه می کنیم، نمی دانیم کدام موضوع، پیام مرکزی و اصلی آن آیات را تشکیل می دهد. ممکن است متن را آیه به آیه تشریح کنیم. اما در پایان شنوندگان متوجه نشوند که پیام مرکزی ما چه بوده، تا چه برسد به اینکه بدانند چگونه باید آنرا در زندگی خود بکار ببندند.

دریک جمله

در نتیجه، به هنگام تهیه موعظه تشریحی باید آنقدر آیه های مورد نظر را بررسی کنیم و آنها را مورد تعمق قرار دهیم تا پی ببریم که در قلب نویسنده آنها چه مطلبی شعله ور بوده است.

بهترین روش این است که موضوع اصلی یا پیام مرکزی موعظه مان را «در یک جمله» بنویسیم. سپس عناوین بخشهای اصلی موعظه را تهیه کنیم تا بتوانیم به روشنی ببینیم که با توجه به موضوع اصلی موعظه، چه ارتباط منطقی یی باید میان این بخشها وجود داشته باشد. «جوئت» (J.H.Jowett) که به «معلم واعظین» معروف است، می گوید: «تا زمانی که نتوانیم موضوع موعظه مان را در یک جمله کوتاه و پر بار و روشن بیان کنیم، موعظه مان آماده نیست.»

تا زمانی که موضوع اصلی آیه های موعظه را نیافته باشیم، قادر نخواهیم بود به تشریح و تفسیر درست آنها پردازیم و به شرایط واقعی زندگی شنوندگان مرتبط سازیم. این امر را باید با چنان دقت و تسلطی انجام دهیم که شنوندگان به روشنی درک کنند که موضوع و نکته اصلی موعظه مان چه بوده است.

«موضوع اصلی» موعظه همانند تنه درخت است و تقسیم بندی آن مانند شاخه ها. موضوع اصلی موعظه باید بر همه تقسیم بندیها حاکم باشد و آنها را هدایت کند.

یک تمرین

برای روشنتر شدن مطلب، مثالی می آوریم. فرض کنید می خواهیم بر اساس مزمور ۱۱۷ موعظه ای تشریحی تهیه کنیم. طبق آنچه که گفتیم، نخست باید موضوع یا نکته اصلی این مزمور را بیابیم. از آنجا که این مزمور ۲ آیه بیشتر ندارد، انجام این کار ساده است. پیش از ادامه مطالعه این مقاله، به این مزمور

مراجعه کنید و در یک جمله کوتاه بگویید که موضوع اصلی این دو آیه چیست. در نگاه اول، ممکن است فکر کنیم که موضوع اصلی، «حمد خدا» است. اما اگر دقت کنیم، متوجه می شویم که نویسنده می خواهد توجه ما را به «علت حمد خدا» معطوف سازد. پس در یک جمله، موضوع اصلی این مزمور این است: «چرا باید خدا را حمد گوئیم؟»

تا اینجا موضوع اصلی موعظه مان را تهیه کرده ایم. و حالا بخشهای اصلی آن در آیه ۲، دو علت برای حمد خدا ذکر شده است: یکی اینست که «رحمت او بر ما عظیم است»، و دیگری اینکه «راستی خداوند تا ابد آباد است.» این دو علت، دویخش اصلی موعظه مان را تشکیل می دهند. اکنون هم موضوع اصلی موعظه مان را از آیات مورد نظر استخراج کرده ایم و هم تقسیم بندی آنرا. این مزمور گرچه نمونه ای است بسیار ساده، اما امیدواریم روش کلی تهیه موعظه را بیان کرده باشد.

تازمانی که موضوع اصلی و عناوین بخشهای اصلی موعظه تان را از آیه های مورد نظر استخراج نکرده اید، برای وعظ کردن آماده نیستید. این کاری است دشوار و برای انجامش باید وقت صرف کرد.

ماجرای چوب بُر!

می گویند چوب بُری بود که تمام روز سخت کار کرد اما نتوانست حتی یک درخت هم ببرد. او چوب بر دیگری را دید که دیرتر از او آمد اما چندین درخت برد. وقتی تحقیق کرد، پی برد که آن دیگری به این علت دیرتر آمد که ساعات اولیه روز را به تیز کردن اره و تبرش سپری کرده بود.

اگر می خواهید واعظ ثمربخشی برای خداوند باشید، باید نخست تبرتان را تیز کنید. باید آنقدر آیه های مورد موعظه را مطالعه کنید و در موردشان تحقیق و

بررسی کنید که بتوانید آنها را ساده و روشن بیان کنید. موعظه خوب آن است که نور کلام خدا را بر شنونده بتاباند و به او نشان دهد که چگونه باید از آن اطاعت کند.

بخش هفتم

هدف موعظه:

چه واکنشی از شنندگان انتظار دارید؟

یکشنبه گذشته در کلیسا نشسته بودم و مشتاقانه منتظر شنیدن موعظه بودم. با دقت به قرانت کلام گوش دادم و بعد خود را آماده شنیدن موعظه کردم. واعظ آن روز سخنران خوبی بود و با شور و شوق زیادی سخن می گفت. اما به تدریج احساس بی تابی کردم چون نمی توانستم مقصودش را درک کنم. به فکر گفته یکی از استادان درس موعظه ام افتادم که می گفت واعظ باید همیشه این سوال را در مورد موعظه خود مطرح کند: «خوب، که چی؟» موعظه ما چه ربطی به وضع شنندگان دارد؟

در این بخش، می خواهم مسأله «هدف» را کمی بیشتر بسط دهم و آنرا به هدف موعظه کتابمقدسی مربوط سازم.

هدف موعظه چیست

موعظه با هدف ایجاد تغییر

دعوت ما این است که طوری موعظه کنیم که در تفکر و زندگی کلیسا دگرگونی حاصل شود. «توزر» (A.W.Tozer) می نویسد: «حقایق الهی ارزشی ندارند مگر آنکه از آنها اطاعت کنیم. هدفی که در پس تمام اصول اعتقادات وجود دارد، ایجاد عمل اخلاقی است.» بنابراین، تفاوت میان «هدف» موعظه و موضوع اصلی آن در این است که «موضوع» یک حقیقت اعتقادی را بیان می دارد، حال آنکه «هدف» مشخص می کند که شنونده چه گامی باید در اثر این موعظه بردارد. لذا بسیار ضروری است که واعظ در فکر خود یقین داشته باشد که چه «واکنش اخلاقی» از موعظه اش انتظار می رود و اطمینان حاصل کند که شنوندگانش نیز به اندازه کافی متوجه شده اند که چه واکنشی از آنان انتظار می رود. باید از خود پرسیم: «مایلم شنوندگانم چه واکنشی نشان دهند؟» بسیاری از موعظه ها این توهم را در شنونده پدید می آورند که گویی هدفشان فقط ارائه اطلاعاتی درباره کتاب مقدس می باشد. اما موعظه باید علاوه بر این امر، سبب ایجاد دگرگونی شود. برای نیل به این منظور، این دگرگونیها باید به روشنی بیان شوند.

هدفی برخاسته از آیه های موعظه

هدف اخلاقی موعظه تان به گونه ای طبیعی از آن بخش از کتاب مقدس بر می خیزد که برای موعظه انتخاب کرده اید. در اوائل خدمت، برای اینکه این اصل را تمرین کرده باشم، تمامی مزامیر را خواندم و به هر یک عنوانی دادم که فکر می کردم طبق هدفی است که آن مزمور می خواهد به خواننده انتقال دهد. وقتی به مزمور ۱:۱۳۸ رسیدم که می فرماید: «تو را به تمامی دل خود حمد خواهم

گفت...» فوراً متوجه شدم که موضوع اصلی مزبور، تمامی آن رویدادهایی است که در زندگی یک ایماندار رخ می دهد و باعث می شود که او بخواهد خدا را حمد کند. سپس هدف یک موعظه در ذهنم نقش بست. هدف موعظه، تشویق همه ایمانداران به حمد خدا با تمامی دل می باشد. نتیجتاً در این موعظه تمام مواردی که در زندگی ایماندار منجر به حمد خدا می شود، باید قید شود. من می بایست شنوندگانم را کمک می کردم که تجاربی را که در زندگی روحانی شان داشته اند، به یادآورند. تک تک نکات این مزبور تبدیل شد به یک دعوت. در آیه ۳، می خوانیم: «در روزی که تو را خواندم مرا اجابت فرمودی و مرا با قوت در جانم شجاع ساختی.» هدف موعظه ام روشن بود؛ پس می توانستم مقصودم را به شنوندگان منتقل سازم: «اگر مایلید قلبتان پر از حمد خدا باشد، باید زندگی تا مملو از دعا باشد، و پاسخهای خدا را هر روزه در زندگی تان مشاهده کنید.» من می دانستم هدفم چیست و می توانستم شنوندگانم را به طور مشخص به عمل فراخوانم.

هدف موعظه و روش ارائه آن

وقتی هدف موعظه تان در فکرتان روشن و مشخص شد، باید تصمیم بگیرید که چگونه آن را «تنظیم» کنید. هدف به محتوای پیام مربوط می شود؛ اما اکنون باید تصمیم بگیرید که باچه «روشی» آنرا ارائه دهید. واعظین برجسته از چند روش کلاسیک استفاده کرده اند. من به معرفی چند روش از میان این روشها خواهم پرداخت؛ سپس پیشنهادخواهم کرد که کدامیک را بیشتر استفاده کنید. پس از آن، خود می توانید روشهای جدید تجربه کنید. اینچنین، در خدمت موعظه ترقی خواهید کرد.

۱ - تشریح یک اندیشه

از این روش زمانی می توانید استفاده کنید که بخواهید یک نکته الهیاتی را به جماعت تعلیم دهید. این نکته را براساس متنی از کتابمقدس که انتخاب کرده اید تشریح کنید و به آنان نشان دهید که این نکته چه تغییری می تواند در زندگی شان پدید آورد. در مقدمه موعظه، این نکته را بطور کامل بیان دارید؛ سپس در بخش اصلی موعظه، به تجزیه و تحلیل آن پردازید. در قسمت نتیجه گیری، آن نکته را مجدداً تکرار کنید و مشخصاً بیان دارید که شنوندگان چه واکنشی باید در قبال آن نشان دهند. یک بار، از کولسیان ۱: ۱۵-۲۰ در مورد خداوندی مسیح موعظه کردم. گفتم که هدف پولس این بود که مخاطبینش به روشنی درک کنند که عیسی خداوند است و از ایشان خواست که این حقیقت را در زندگی شان پیاده کنند. در بخش اصلی موعظه، آیات فوق را یک به یک بررسی کردم و نشان دادم که عیسی کیست، و اینکه واکنش ما باید نه فقط پذیرش او در مقام نجات دهنده مان باشد، بلکه باید در مقابل او سرخم کنیم و اعتراف کنیم که او خداوند زندگی ماست. در قسمت نتیجه گیری، مجدداً این نکته را بیان داشتم و از شنوندگان خواستم که به عیسی در مقام خداوند تسلیم شوند. این روش امتحان خود را در طول زمان پس داده و بسیار مؤثر میباشد.

۲ - اثبات یک حقیقت

از این روش زمانی استفاده کنید که می خواهید حقیقتی را به جماعت ثابت کنید که در پذیرشش مشکل دارند. این حقیقت را در قسمت مقدمه موعظه بیان دارید، و در بخش اصلی موعظه به ارائه دلایل و استدلالات خود برای اثبات آن پردازید. برای مثال، اگر می خواهید موعظه ای براساس اول قرنیتان ۳: ۱-۴ تهیه کنید، متوجه خواهید شد که موضوع اصلی این است که پولس ایمانداران قرنیتس را

نوزادان روحانی می خواند. می توانید موعظه را با این سؤال آغاز کنید: «آیا در مسیح رشد کرده اید یا هنوز در روحانیت نوزاد هستید؟» در اینجا شما یک حقیقت روحانی را مد نظر دارید: در جماعت شما ایمانداران رشد نیافته بسیاری هست. قصد شما این است که ایشان را متقاعد سازید که رشد کنند. به همین جهت، در بخش اصلی موعظه تان میتوانید خصوصیتی را که پولس به نوزادان روحانی نسبت می دهد برشمارید؛ هدف شما از این کار این است که به شنوندگانتان کمک کنید تا وضعیت روحانی خود را درک کنند. در قسمت نتیجه گیری، دلایل خود را جمع بندی کنید و بیان دارید که اکنون زمان رشد فرا رسیده است. این روش شباهت زیادی به مسائل هندسه دارد؛ قضیه ای را بیان میکنید و بعد به اثبات آن می پردازید.

۳- کاربرد یک اصل

از این روش زمانی می توانید استفاده کنید که بخواهید به جماعت تعلیم دهید که چگونه یک اصل روشن کتابمقدس را در زندگی خود پیاده کنند. در مقدمه موعظه می توانید آن اصل را مطرح سازید؛ در دنباله موعظه، توضیحات بیشتری پیرامون کاربرد آن ارائه دهید. هدف این است که شنوندگان این اصل را به خوبی درک کنند و مایل باشند آن را در زندگی خود اعمال نمایند. برای مثال، در رساله یعقوب ۶: ۴ با یک اصل اساسی مواجه هستیم: «خدا متکبران را مخالفت می کند، اما فروتنان را فیض می بخشد.» در آیه ۱۰ نیز آمده که خدا خودش فروتنان را سرفراز خواهد نمود. این یکی از اصول مهم کتابمقدس است. می توانید آن را در قالب یک سؤال عنوان کنید: «آیا ناراحتید از اینکه دیگران از ملایمت و مهربانی شما سوء استفاده می کنند؟ آیا فکر می کنید حقتان را ضایع می سازند؟ آیا مایلید بدانید «خدا» درباره فروتنی شما چه فکر می کند؟» سپس می توانید اصل فوق را

مطرح سازید و براساس آیات مذکور، کاربرد آن را شرح دهید و با نمونه هایی از زندگی مردان خدا در کتابمقدس، آن را روشنتر سازید.

موعظه خوب تصادفی بدست نمی آید، بلکه حاصل کار زیاد و دعای واعظ است که در اثر کنکاش آیات، هدف آنها را کشف می کند و بعد تصمیم می گیرد که چگونه پیام خود را به شنوندگان منتقل سازد.

بخش هشتم

«گوشت» موعظه!

ساختار کلی موعظه (رنوس مطالب موعظه) هرچقدر هم خوب باشد، در نهایت همچون استخوان بندی بدن است که نیاز به گوشت دارد تا پر شود. کسی که موعظه خوبی را می شنود، چندان متوجه ساختار کلی و رنوس مطالب آن نمی شود، چرا که این ساختار فقط برای آن است که بخشهای مختلف موعظه را منسجم و یکپارچه نگاه دارد؛ آنچه که برای شنونده اهمیت دارد، گوشتی است که این استخوان بندی را پر میکند. به همین منظور، در اینجا چند ابزار مهم را برای تهیه «گوشت موعظه» مورد بررسی قرار می دهم.

تکرار نکات مهم

نکات مهم موعظه را باید به شکل های گوناگون تکرار کنیم. موعظه هنری است شفاهی؛ به همین جهت، شنوندگان نیاز دارند همان حقایق را در اشکار مختلف بشنوند. وقتی نکات مهم موعظه را به اشکال گوناگون بازگو می کنید، برای شنونده روشنتر می شوند.

این کار را می‌توانید بصورت منفی و نیز بصورت مثبت انجام دهید؛ یعنی می‌توانید توضیح دهید که منظورتان چه هست و چه نیست. همچنین می‌توانید نکات مهم را در پایان هر بخش از موعظه مجدداً تکرار کنید. برای مثال، یک بار دربارهٔ هفت نشانهٔ غرور پنهان در فرد مسیحی موعظه می‌کردم، و هر بار که به نشانهٔ بعدی می‌رسیدم، عناوین نشانه‌های قبلی را تکرار می‌کردم.

توضیح مفاهیم کتابمقدسی

هیچگاه فرض را بر این نگیرید که شنوندگانتان تمام کلمات و اصطلاحات مفاهیم کتابمقدس را می‌دانند. یک نوایمان به تازگی از من پرسید: «هللویاه یعنی چه؟» یا یک بار که دربارهٔ اشعیاء فصل ششم و مواجه شدن اشعیای نبی با قدوسیت خدا موعظه می‌کردم، احساس کردم که باید کلمهٔ «قدوسیت» را تشریح کنم. به همین دلیل توضیح دادم که «قدوسیت» یعنی «جدا شدن»؛ پس مقدس یعنی چیز یا کسی که برای خدا جدا شده و متعلق به اوست. من این را مدنظر داشتم که ممکن است شنوندگانم درک روشنی از مفهوم قدوسیت نداشته باشند. بنابراین، برای تشریح مفاهیم کتاب مقدسی وقت صرف کنید.

ارائهٔ اطلاعات مفید

آمار مفید یا اطلاعات تاریخی اغلب باعث تقویت موعظه تان می‌شود. اما باید مراقب باشد که آمار و اطلاعاتتان دقیق و درست باشد.

نقل قول‌ها

بسیار خوب است که همیشه آن بخشها از کتابمقدس را که مطالبتان را روشن می‌سازند، نقل قول کنید. همچنین می‌توانید از متفکرین و خادمین برجستهٔ مسیحی

نیز نکات مفیدی نقل قول کنید. گاه شاید مناسب باشد یک بند از یک سرود یا یک شعر روحانی را نقل کنید. نقل قول های خوب همچون نمک است بر غذا؛ مقدار درست نمک به غذا طعم می بخشد، اما نمک زیادی غذا را غیر قابل خوردن می سازد.

بازگو کردن داستان

بیان یک داستان اغلب کمک بزرگی است برای روشن ساختن یک حقیقت و به خاطر سپردن آن. نقل داستان به درک آیاتی که در موعظه به کار می بریم کمک می کند، اما نباید بر آن حاکم شود. نقش داستان خوب این است که عواطف شنوندگان را برمی انگیزد و به ایشان کمک می کند که حقایق کتابمقدس را به زندگی روزمره مرتبط سازند. داستان جالب موجب می شود که حواس شنوندگان جمع باشد. وقتی موعظه می کنید، به محض اینکه شروع به تعریف داستانی می کنید، فوراً متوجه می شوید که حالت شنوندگان تغییر می کند. داستان یا ماجرای حقیقی اگر مربوط به زندگی روحانی خودتان باشد، سبب می شود که ارتباطتان با شنوندگان محکم تر شود. اگر داستان یا ماجرا مربوط به زندگی خودتان است، مراقب باشید که آنرا برای جلال دادن خودتان استفاده نکنید. اما اگر داستان مربوط به دیگران است، مراقب باشید که اسرارشان را برملا نسازید؛ در این صورت، شاید لازم باشد نخست از ایشان برای این امر اجازه بگیرید.

اغلب از من می پرسند که داستان و تمثیل برای موعظه را از کجا می توان بدست آورد. این کار دشواری نیست. فقط کافی است که مشاهده گر خوبی باشید. من شخصاً اکثر داستانها و تمثیل های موعظه هایم را از زندگی خودم و دیگران کسب می کنم. همچنین آموخته ام که داستانها یا تمثیل هایی از فرهنگهای مختلف نقل کنم. یک بار که درباره ناپایکی ناشی از گناه موعظه می کردم، به ماجرای

پیوست کردن گردو در ایران اشاره کردم که چطور این کار دستها را سیاه می کند و اینکه پاک کردن آن چقدر مشکل است. سپس گفتم که گناه نیز قلب انسان را سیاه می کند و پاک کردن آن میسر نیست جز با خون گرانبهای عیسی مسیح.

داستانهای خوب را می توانید از کتاب ها یا مطالبی که می خوانید، استخراج کنید. همچنین می توانید با خواندن یا گوش کردن موعظه های واعظین مشهور ببینید که ایشان چگونه از داستانها و تمثیل ها برای توضیح حقایق کتابمقدس استفاده کرده اند. وقتی مطلبی را مطالعه می کنید، حتماً قلم و کاغذ دم دست داشته باشید و نکات مفید برای استفاده در موعظه تان را یادداشت کنید. استاد درس موعظه ام در دانشگاه همیشه می گفت که وقتی بالای منبر می روید، در یک دستتان کتابمقدس باشد و در دست دیگر روزنامه، منظورش این بود که موعظه خوب آنست که حقایق الهی را به زندگی روزمره ارتباط دهد.

شاید خوب باشد که پرونده ای برای گردآوری و نگه داری داستانها و نقل قولها تهیه کنید. این داستانها و مطالب را می توانید برحسب موضوعشان به ترتیب حروف الفبا دسته بندی کنید.

فراموش نکنید که شنوندگان داستانی را که بیان می کنید، برای مدتی طولانی تر به یاد خواهند داشت تا پیامتان. من متوجه شده ام که وقتی برای بی ایمانان موعظه می کنم، داستان یا مثالی از زندگی روزمره، ایشان را به حقایق کتابمقدس بهتر متقاعد می سازد.

TALIM MINISTRIES, INC.
P.O. BOX 87 17 36
Aurora, Colorado 800 87-1736
Fax: +1-303-873 62 16
www.TalimMinistries.com



KelisaOnline.com Production